

ارزیابی و تحلیل سطح توسعه یافتگی آموزشی در استان ایلام

احمد عربشاهی کریزی^۱

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی و ارزیابی سطح توسعه یافتگی آموزشی در شهرستان‌های استان ایلام انجام گرفته و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات آن از تکنیک SAW به عنوان یکی از روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه استفاده شده است. جامعه آماری این پژوهش نیز استان ایلام، شامل شهرستان‌های آبدانان، ایلام، ایوان، بدره، چرداول، دره‌شهر، دهلران، سیروان، ملکشاهی و مهران بود. شاخص‌های متفاوتی که جهت تحلیل سطح توسعه یافتگی آموزشی در استان ایلام استفاده شده است، عبارت بودند از: تعداد دانش‌آموزان، کارکنان آموزشی اداره آموزش و پرورش، دانش‌آموزان دوره آموزش استثنایی، آموزشگاه‌های دوره آموزش استثنایی، دانش‌آموزان دوره پیش‌دستانی، آموزشگران تمام‌وقت مؤسسات آموزش عالی، دانشجویان مؤسسات آموزش عالی، دانش‌آموختگان مؤسسات آموزش عالی، مربیان اداره آموزش فنی و حرفه‌ای و آموزش‌دیدگان اداره آموزش فنی و حرفه‌ای. پس از استخراج آمار مربوط از سالنامه آماری استان ایلام در سال ۱۳۹۳، به تشکیل گزینه‌ها و شاخص‌های مربوط اقدام شد و با اجرای مراحل تکنیک SAW، تجزیه و تحلیل اطلاعات انجام گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد که از لحاظ وضعیت توسعه آموزشی، شهرستان ایلام در بین شهرستان‌های استان ایلام، در صدر قرار دارد و شهرستان‌های ایوان، دهلران، دره‌شهر، آبدانان، چرداول، مهران، ملکشاهی، سیروان و بدره در رده‌های بعدی قرار دارند. تحلیل‌های صورت گرفته در این پژوهش می‌تواند مورد استفاده مسئولان حوزه آموزش استان واقع شود تا با تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌های مؤثر وضعیت آموزشی بهتری را شاهد باشیم.

واژگان کلیدی: توسعه، توسعه آموزشی، توسعه یافتگی، استان ایلام.

مقدمه و بیان مسئله

توسعه یکی از اهداف جوامع انسانی در سطوح مختلف فردی، خانوادگی، محلی، شهری، منطقه‌ای، استانی، ملی و جهانی است و در شرایط پویای جهان کنونی، برای هر جامعه‌ای به عنوان یک ضرورت مطرح می‌باشد. دستیابی به توسعه پایدار، هدف مشترک دیدگاه استراتژیک کشورهای مختلف است. توسعه واقعی باید مستمر و پایدار و همه‌جانبه باشد و نباید موقتی باشد؛ به عبارت دیگر، جریانی کامل و پیوسته است که معیارها و شاخص‌های کمی و کیفی را در بر می‌گیرد. دستیابی به توسعه، نیازمند داشتن یک رویکرد استراتژیک و بلند مدت، داشتن نگرشی سیستمی و بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های موجود است. در روند توسعه باید اهداف کوتاه‌مدت و میان‌مدت در جهت اهداف بلندمدت توسعه پایدار باشد. در فرایند توسعه، جامعه به عنوان یک سیستم دیده می‌شود که دستیابی به توسعه در گرو عملکرد مؤثر تمامی اجزای آن است. توسعه و پیشرفت دارای ابعاد و وجوه مختلفی چون: اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، آموزشی و ... می‌باشد و بهبود همزمان در همه ابعاد، توسعه واقعی را باعث خواهد شد؛ اما در این میان، توسعه آموزشی از جایگاه خاصی برخوردار می‌باشد؛ چراکه بر سایر ابعاد توسعه تاثیرگذار است؛ در سال‌های اخیر نیز با توجه به پیشرفت تکنولوژی، بخصوص فناوری اطلاعات، اهمیت بسزایی در فرایند توسعه پیدا کرده است. آموزش و توسعه آموزشی در سایر ابعاد توسعه مؤثر می‌باشد و نقش بی‌بدیلی را در این زمینه ایفا می‌کند؛ چراکه برای ایجاد تغییر و تحول اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ...، ناگزیر از آموزش افراد جامعه و فراهم آوردن دانش، نگرش و رفتار جدیدی در آنها هستیم. در توسعه آموزشی باید باور داشت که انسان آموزش‌پذیر است و می‌توان از طریق آموزش، دانش، نگرش و رفتار مناسب را در او به وجود آورد. باید توجه داشت که این بعد از توسعه، فرایند خاصی دارد و با هدف‌گذاری مناسب، نیازسنجی‌های آموزشی در زمینه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ...، برنامه‌ریزی مؤثر آموزشی، اجرا و در نهایت ارزیابی، می‌توان فرایند آموزش را به طور صحیح طی کرد و تغییرات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... لازم را جهت توسعه در جامعه ایجاد نمود.

همان‌گونه که اشاره شد، توسعه از سطوح مختلفی برخوردار است که در این مقاله، سعی می‌شود بر مقیاس استانی (استان ایلام) تمرکز گردد و بعد توسعه

آموزشی با توجه به اهمیت و ضرورت آن در مقایسه با سایر ابعاد توسعه، مبنای تحلیل‌ها قرار گیرد و سطح توسعه‌یافتگی آموزشی در شهرستان‌های استان ایلام، ارزیابی و تحلیل شود؛ همچنین سطح این بعد از توسعه در شهرستان‌های مختلف استان مورد مقایسه قرار گیرد و این شهرستان‌ها بر اساس آن، اولویت‌بندی گردند. به طبع، تجزیه و تحلیل وضع موجود سطح توسعه‌یافتگی آموزشی شهرستان‌های استان ایلام، شناخت بیشتری را برای مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی استان فراهم خواهد آورد تا از یک طرف، در ترمیم نقاط ضعف و تقویت نقاط قوت بهتر عمل نمایند و از طرف دیگر، در مقابله با تهدیدها و بهره‌گیری از فرصت‌های محیطی مؤثرتر باشند و در آینده سطح توسعه‌یافتگی آموزشی استان ارتقا یابد.

ادبیات و مبانی نظری پژوهش

قبل از پرداختن به موضوع اصلی بحث، یعنی «ارزیابی و تحلیل سطح توسعه‌یافتگی آموزشی در شهرستان‌های استان ایلام»، جهت روشن تر شدن موضوع به تعریف اصطلاحات اصلی پژوهش و ارائه توضیحاتی در مورد موضوع تحقیق پرداخته می‌شود. در این راستا ابتدا مفهوم و ماهیت توسعه و توسعه آموزشی، بررسی می‌شود؛ سپس ارتباط بین آموزش و توسعه، مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

۱. توسعه

«در افکار صاحب‌نظران توسعه، تعابیر مختلفی از واژه توسعه وجود دارد که از آن جمله می‌توان به افزایش تولید، افزایش بازدهی، ارتقای سطح کمی و کیفی زندگی، ارتقای سطح خدمات بهداشتی و درمانی، برطرف کردن مشکلات بیکاری و تورم، تأمین نیازهای اقتصادی-اجتماعی، برخورداری از آموزش و فرهنگ و مشارکت فعال در عرصه‌های مختلف اشاره کرد. توسعه در واقع نخستین و مهمترین هدف تمامی دولت‌ها محسوب می‌شود و یکی از عوامل مهم آن همانا پیشرفت اقتصادی است؛ بنابراین هدف اصلی توسعه باید ایجاد الگوی مطلوب رشد درآمد همگانی باشد که تمام اقشار جامعه را پوشش دهد. توسعه علاوه بر بهبود میزان تولید و درآمد، شامل دگرگونی‌هایی در ساختار سیاسی، نهادی، اجتماعی و اداری و اصلاح آنها و وجه نظرهای عمومی مردم نیز هست. کلمه توسعه در لغت به معنی گسترش و بهبود است و اگرچه دارای

بعد کمی می‌باشد و در پاره‌ای موارد حتی ممکن است مترادف با کلمه رشد تلقی شود؛ اما در اصل دارای ابعاد کیفی است؛ در واقع ابعاد چندگانه ای دارد که کلمه رشد، فاقد تمامی آنهاست» (ملکی و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۷۰ و ۱۷۰). «توسعه، فرایندی تدریجی در پیشرفت موقعیت بشر، شامل: انجام فعالیت برای رسیدن به رشد مادی و تکامل اجتماعی در طول زمان است. مهمترین مسئله در برقراری توسعه پایدار، توجه به شاخص‌های اقتصادی، محیطی، اجتماعی، آموزشی و ... در بستر برنامه‌ریزی است. در توسعه، هدف، بهبود شرایط موجود و حرکت در مسیر مطلوب جهت رفاه و رفع مشکلات در قسمت‌های مختلف زندگی اجتماعی و انسانی می‌باشد. توسعه، نتیجه بسیج نیروهای مادی و انسانی برای رسیدن به اهداف مترقی توسعه‌یافتگی است و از این رهگذر است که فقر، بی‌سوادی، وابستگی و اختناق، جای خود را به رفاه، آزادی و قدرت می‌دهند» (ویسی ناب و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۲). «توسعه، عبارت است از حرکت از وضعیت موجود به وضعیتی که در آن فرصت و امکانات بیشتری برای کاربرد مؤثر منابع فراهم باشد. هدف کلی آن نیز رشد و تعالی همه‌جانبه جوامع انسانی است؛ از این رو در فرایند برنامه‌ریزی برای دستیابی به توسعه و قرار گرفتن در مسیر آن، شناخت و درک شرایط و مقتضیات جوامع انسانی و نیازهای آنان در ابعاد مادی و معنوی از جمله اقدامات ضروری در این زمینه است. عدم توازن در جریان توسعه بین مناطق مختلف، موجب ایجاد شکاف و تشدید نابرابری منطقه‌ای می‌شود که خود مانعی در مسیر توسعه است» (جمینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۱۷۰).

۲. توسعه آموزشی

«توسعه، فرایند بهبود، رشد و گسترش تمام شرایط و جنبه‌های مادی و معنوی زندگی اجتماعی، گسترش ظرفیت نظام اجتماعی برای تأمین احتیاجات یک جامعه همچون: امنیت ملی، آزادی فردی، مشارکت سیاسی، برابری اجتماعی، رشد اقتصادی و موازنه محیط زیست و بهبود بخشیدن به کیفیت زندگی افراد جامعه بر اساس شاخص‌هایی چون: درآمد، مصرف مواد غذایی و خدمات بهداشتی و آموزشی از طریق رشد اقتصادی و در نهایت رشد عزت نفس و افزایش آزادی‌های آنان است. در این فرایند، تلاش مردم و دولت برای بهتر شدن اوضاع اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و محلی هماهنگ می‌گردد و توانایی مردم برای مشارکت در مسیر پیشرفت ملی به کار گرفته می‌شود. برای رسیدن

به این سطح از توسعه، ضرورت دارد که در ایجاد، تقویت و گسترش کمی و کیفی نظام آموزش عمومی فراگیر، رایگان، دارای نیروهای انسانی باسواد و باتجربه و فضاهای آموزشی مناسب و استاندارد با هدف پرورش انسان‌ها و گسترش و تعمیق جامعه‌پذیری، داشتن دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی صاحب استقلال کافی از مراکز قدرت، برخوردار از اعتبار علمی و تخصصی و دارای مدیریت صاحبان استعداد و توان علمی و نوآوری، اقدام شود. در برنامه توسعه سازمان ملل، شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی به صورت بخش‌ها و حوزه‌های مرتبط با یکدیگر لحاظ شده‌اند و در رتبه‌بندی کشورها موضوعاتی مانند امید به زندگی، میزان باسوادی و میزان واقعی تولید ناخالص ملی سرانه، اهمیت یافته است. با این تغییر نگرش و رویکرد به توسعه، تعریف فقر، متحول گردیده و به جای توجه به داشتن درآمد روزانه کمتر از دو دلار، معیارهایی همچون: گرسنه بودن، مسکن نداشتن، بیمار بودن و معالجه نشدن، عدم امکان تأمین مخارج تحصیل فرزندان، بی‌سوادی، نگرانی از آینده، عدم شرکت در فعالیت‌های اجتماعی، به حاشیه رفتن و در اصل، تمام عوامل آسیب‌پذیری مطرح شده است.

توسعه مطلوب، مستلزم تحول و اصلاحات بنیادین در زیرساخت‌ها و امکانات آموزشی، مالی و بهداشتی، میزان باسوادی، نسبت تحصیل‌کردگان و دانش‌آموختگان به کل جمعیت، میزان شاغلان، نسبت زنان شاغل به کل جمعیت شاغل جامعه و ارائه تعاریف روشن، دقیق و قابل تحقق از فرد، جامعه، انسان، پیشرفت و توسعه است. با چنین رویکردی، مناطق یک کشور از حیث شاخص‌های توسعه‌یافتگی اجتماعی به خیلی توسعه‌یافته، توسعه یافته، در حال توسعه، محروم و خیلی محروم تقسیم می‌شوند؛ بر این اساس، باید به تدوین و اجرای برنامه‌هایی اقدام نمود تا فاصله و شکاف میان مناطق را اگر چه نتوان از بین برد؛ اما تا حداقل ممکن کاهش داد» (احمدی و مزروعی، ۱۳۹۱: ۵۴ و ۵۵).

۳. ارتباط آموزش و توسعه

«هنگامی که برنامه‌ریزان توسعه، انتظارات اجتماعی، آرمان‌های دینی و فرهنگی و نیاز بخش‌های اقتصادی به نیروی انسانی ماهر را برای یک برهه زمانی خاص، در قالب برنامه توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی مشخص می‌کنند، برنامه‌ریزان آموزشی نیز تا آنجا که به نظام آموزش و پرورش مربوط می‌شود، این انتظارات، آرمان‌ها و نیازها را در قالب اهداف آموزشی، ترجمه و بیان می‌

کنند. امروزه برنامه‌ریزی آموزشی جزئی از برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی تلقی می‌شود و در بسیاری از جوامع، برنامه‌ریزی‌های توسعه آموزش در قالب برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد. به اعتقاد بسیاری از صاحب‌نظران اقتصادی، از جمله بیکر^۱، شولتز^۲ و دنیسون^۳، رشد و توسعه اقتصادی و اجتماعی، مرهون نظام آموزشی است؛ بنابراین رشد و توسعه نظام آموزشی، رشد و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را به دنبال خواهد داشت و این ارتباط، یک‌طرفه و یک‌جانبه نبوده و نیست؛ بلکه رابطه‌ای است دو طرفه، مکملی و تنگاتنگ؛ اگرچه اهمیت این مسئله را کشورهای توسعه‌یافته به خوبی درک کرده و رشد و توسعه خود را تا حدود زیادی با رشد و توسعه نظام آموزشی ارتباط داده‌اند؛ اما کشورهای در حال توسعه هم به تبعیت از آنها برنامه‌ریزی‌های خوبی برای توسعه نظام‌های آموزشی خود انجام داده‌اند (ملکی و آقامحمدی، ۱۳۹۴:۶۲ و ۶۳). آموزش از دیرباز به عنوان یکی از پایه‌های اصلی و عوامل تعیین‌کننده توسعه اقتصادی و اجتماعی شناخته شده است؛ اما طی سال‌های اخیر که پیشرفت‌های تکنولوژیکی و روش‌های نوین تولید، نظام‌های اقتصادی جهان را دگرگون ساخته و روابط بین آنها را تغییر داده است، آموزش در فرایند توسعه نقش مهمتری یافته است؛ در حقیقت، ابداع و به‌کارگیری تکنولوژی‌های نوین و روش‌های جدید تولید، متکی به نیروی کاری‌ای است که به خوبی آموزش دیده و از نظر فکری، انعطاف داشته باشند. این امر، ضرورت سرمایه‌گذاری بیشتر در امر آموزشی را نشان می‌دهد» (یزدانی و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۸).

پیشینه پژوهش

پژوهشگران، پژوهش‌های مختلفی را در مورد توسعه و توسعه آموزشی در استان ایلام انجام داده‌اند که در ذیل به تعدادی از آنها به طور مختصر اشاره می‌شود:

غلامی پریزاد و همکاران (۱۳۹۴) پژوهشی با عنوان «عدالت جنسیتی با بی‌عدالتی در نظام آموزشی استان ایلام» انجام داده‌اند. یافته‌های پژوهش آنها

1. Becker
2. Schultz
3. Denison

نشان داد که در مجموع، عدالت جنسیتی در مقطع ابتدایی (۱/۰۵)، نزدیک به تحقق هدف و مشابه به وضعیت کشوری (۰/۹۹) است و در مقاطع راهنمایی (۰/۹۰ نسبت به ۰/۹۶) و متوسطه (۰/۸۴ نسبت به ۱/۰۱)، شاخص استانی، وضعیت نامناسب‌تری نسبت به شاخص کشوری دارد و بی‌عدالتی به ضرر دختران است. در مقطع پیش‌دانشگاهی (۱/۳۸) هم بی‌عدالتی به ضرر پسران است و در مقطع عالی (۰/۹۹) نیز تقریباً شاخص برابری جنسیتی در آموزش محقق شده است. وضعیت این شاخص به تفکیک شهرستان‌های استان، گویای این است که بهترین وضعیت عدالت جنسیتی در آموزش در شهرستان آبدانان دیده می‌شود.

در پژوهش ملکی و حسینی (۱۳۹۵) با عنوان «سطح‌بندی شهرستان‌های استان ایلام از لحاظ شاخص‌های توسعه با استفاده از تکنیک فازی»، ۳۳ شاخص مختلف توسعه، تعریف و تنظیم شده است. بر اساس امتیازات حاصل، شهرستان‌ها به ۴ گروه برخوردار، نیمه‌برخوردار، کم‌برخوردار و عدم برخوردار طبقه‌بندی شده‌اند. نتایج این مطالعه نشان داد که شهرستان ایلام در سطح برخوردار، شهرستان‌های شیروان چرداول، آبدانان، دره‌شهر و دهلران در سطح نیمه‌برخوردار، شهرستان‌های ایوان و مهران در سطح کم‌برخوردار و شهرستان ملکشاهی در سطح عدم برخوردار قرار دارند.

خوب‌آیند (۱۳۸۳) پژوهشی را با عنوان «بررسی و تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان ایلام» انجام داده است که نتایج آن نشان می‌دهد بین شهرستان ایلام و دیگر شهرستان‌های استان از نظر توسعه اقتصادی و اجتماعی، ناهماهنگی و عدم تعادل شدیدی وجود دارد. در مجموع، ۱۴/۳ درصد از کل شهرستان‌های ایلام، برخوردار و ۸۵/۷ درصد، محروم هستند.

حسین زاده دلیر و ملکی (۱۳۸۵)، وضعیت شاخص‌های توسعه انسانی در استان ایلام را مورد بررسی قرار داده‌اند که نتایج آن نشان می‌دهد استان ایلام در بین استان‌های کشور، از نظر شاخص‌های توسعه انسانی در رتبه ۲۲ قرار گرفته است. وضعیت توسعه انسانی نامطلوب در این استان، دلایل متعددی دارد که کمبود امکانات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، پایین بودن هزینه سرانه ناخالص و درآمد سرانه، نرخ اندک پس‌انداز و کمبود سرمایه‌گذاری، امید به زندگی پایین و میزان بالای بی‌سوادی بزرگسالان از جمله آنهاست.

پوراحمد و همکاران (۱۳۹۴) توسعه‌یافتگی شهرهای استان ایلام را با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره، مورد سنجش قرار داده‌اند. یافته‌های

پژوهش آنان نشان می‌دهد که شهرهای نوپنیا که از روستا به شهر تبدیل شده‌اند، اغلب در بخش عمران و خدمات شهری، توسعه نیافته هستند؛ همچنین شهر ایلام در سرانه فضاهای خدماتی که از طرف شهرداری‌ها ارائه می‌شود، در ردیف شهرهای محروم قرار دارد. شهرهای با جمعیت کمتر به نسبت شهرهای دیگر در نماگرهای خدمات شهری، از نظر توسعه یافتگی، از رتبه بهتر و وضعیت مطلوب تری برخوردارند؛ با این حال، اگرچه شهر ایلام از نظر جمعیت و تعداد امکانات در رده نخست شبکه شهری استان قرار دارد، لیکن با احتساب معیار جمعیت در نماگرهای عمران و خدمات شهری، این برتری وجود ندارد.

در پژوهش امانپور و همکاران (۱۳۹۴)، وضعیت شاخص‌های توسعه یافتگی در شهرستان‌های استان ایلام، مورد سنجش قرار گرفته است و شاخص‌های منتخب در دو مرحله مطالعه سوابق و بهره‌گیری از آرای خبرگان، گردآوری و با استفاده از روش دلفی ادغام شده‌اند. نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که شهرستان ایلام نسبت به سایر شهرستان‌ها از امتیاز بیشتری برخوردار است و شهرستان‌های ده‌لران، چرداول و ... در رده‌های بعدی قرار دارند.

شماعی و عسکری (۱۳۸۸) در پژوهشی به بررسی فضاهای آموزشی شهر ایلام پرداخته‌اند. در پژوهش آنان، مشخص شد که سرانه آموزشی، نحوه کاربرد فضا، نحوه استقرار در محیط و ویژگی‌ها و تناسبات، مسائل و مشکلاتی دارند. شاخص‌های شعاع عملکرد مفید، جمعیت زیر پوشش، سطح زیربنا، سطوح و فضاهای آزاد و همجواری مناسب، از جنبه‌های گوناگون تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌های این پژوهش نشان داد که توزیع ناموزون فضاهای آموزشی و مکان‌یابی نامناسب آنها، زمینه‌ساز بحران‌های شهری است. فضاهای آموزشی مقطع مورد مطالعه به لحاظ توزیع فضایی ناموزون، کارکرد مطلوبی ندارند. از لحاظ دسترسی به مدارس نیز دانش‌آموزان نواحی مختلف شهر از شعاع دسترسی مطلوب بی‌بهره‌اند و بیش از ۳۰ درصد از مدارس مورد مطالعه در حریم کاربری‌های ناسازگار قرار گرفته‌اند؛ همچنین از لحاظ سرانه‌های آموزشی، ۳۵ درصد از دبیرستان‌ها، از حداقل سرانه‌های استاندارد برخوردارند و بقیه مدارس از حداقل سرانه‌های استاندارد محرومند.

معدفر و دارابی (۱۳۹۱) با روشی تجربی به بررسی ذهنیت سوژه‌های اجتماعی (دانش‌آموزان دختر شهر ایلام) در میانه گفت‌وگوهای مختلف مؤثر (خانواده و مدرسه) پرداخته‌اند. می‌توان دید که گفت‌وگوهای خانواده و مدرسه در ۴ مؤلفه تحصیل، مذهب، پرورش سیاسی و انضباط در مقابل یکدیگر قرار

می‌گیرند و هر کدام از آنها دانش آموز را در تملک خود می‌دانند و سعی می‌کنند در زمان و مکان تحت سیطره خودش، به ذهنیت او مطابق با آرمان‌های خویش شکل دهند؛ به این ترتیب، گاه در سطح اهداف و گاه در سطح عملکرد، بین آنها تنش وجود دارد و این تنش، موجب می‌شود هویت دانش آموز به مواضع گوناگونی فراخوانده شود. مهمترین علت تفاوت مدرسه و خانواده در درجه استقلال آنها از گفتمان دولت است.

پوراحمد و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهش خود با عنوان «تحلیل شبکه شهری استان ایلام طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۹۰» به این نتایج دست یافتند: ۱. شبکه شهری استان ایلام، نامتعادل و با پدیده نخست شهری مواجه است؛ ۲. اغلب شهرهای نوبنیاد و کوچک استان، از نظر سطح‌بندی خدماتی در شبکه شهری در سطوح پایین قرار گرفته‌اند؛ ۳. شبکه شهری استان ایلام از سال ۱۳۸۵ به این سو، برخلاف دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵، به سمت تعادل حرکت کرده است و این روند به کندی در جریان است.

رضایی (۱۳۹۳) در پژوهشی به سطح‌بندی و سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرهای استان ایلام با استفاده از روش تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای پرداخته است. یافته‌های تحقیق او نشان می‌دهد که پراکنش سطوح توسعه، نامتعادل بوده است و بین شهرهای استان ایلام از نظر توسعه‌یافتگی، ناهماهنگی وجود دارد.

صابری و نصراللهی‌نیا (۱۳۹۶) در پژوهش خود به ارزیابی توسعه آموزشی شهرستان‌های استان ایلام با استفاده از مقایسه مدل‌های چندشاخصه پرداخته‌اند. نتایج پژوهش آنان بیانگر عدم تعادل توسعه آموزشی در سطح شهرستان‌های استان ایلام است و شهرهای مهران، آبدانان و ایلام در چرخه توزیع امکانات آموزشی در موقعیت نسبتاً محروم از توسعه آموزشی قرار دارند. امکانات آموزشی در شهر ایلام به عنوان مرکز استان، به علت مهاجرت‌های بی‌رویه، در یک فرایند طولانی‌مدت، به نسبت جمعیت کاهش یافته است و ساکنین شهر از سطح توسعه آموزشی درخور، محروم مانده‌اند.

به طور کلی، مطالعات انجام شده نشان می‌دهند که بین شهرستان ایلام و دیگر شهرستان‌های استان از نظر توسعه اقتصادی و اجتماعی، ناهماهنگی و عدم تعادل شدیدی وجود دارد. در مجموع، ۱۴/۳ درصد از کل شهرستان‌های ایلام، برخوردار و ۸۵/۷ درصد، محروم هستند. از نظر شاخص‌های توسعه

انسانی، استان ایلام در بین استان‌های کشور، در رتبه ۲۲ قرار گرفته است. با بررسی فضاهای آموزشی شهر ایلام مشخص شد سرانه آموزشی، نحوه کاربرد فضا، نحوه استقرار در محیط و ویژگی‌ها و تناسبات، مسائل و مشکلاتی دارند. فضاهای آموزشی مقطع مورد مطالعه به لحاظ توزیع فضایی ناموزون، کارکرد مطلوبی ندارند و از لحاظ دسترسی به مدارس نیز دانش‌آموزان نواحی مختلف شهر از شعاع دسترسی مطلوب بی‌بهره‌اند. عدالت جنسیتی در مقطع ابتدایی، مشابه با وضعیت کشوری هست. در مقاطع راهنمایی و متوسطه، شاخص استانی وضعیت نامناسب‌تری نسبت به شاخص کشوری دارد و بی‌عدالتی به ضرر دختران است. در مقطع پیش‌دانشگاهی، بی‌عدالتی به ضرر پسران است و در مقطع عالی تقریباً شاخص برابری جنسیتی در آموزش محقق شده است. نتایج، حاکی از آن است که محقق شدن توسعه پایدار آموزشی، نیازمند هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی و اقدامات مؤثرتری در سطوح مختلف آموزشی استان می‌باشد.

جامعه آماری پژوهش

جامعه آماری این پژوهش، استان ایلام است. این استان، ۱۰ شهرستان، ۲۶ بخش، ۲۵ شهر، ۴۹ دهستان و ۶۳۰ آبادی دارای سکنه دارد. بر اساس آخرین سرشماری عمومی نفوس و مسکن در آبان ماه ۱۳۹۰، جمعیت استان برابر با ۵۵۷ هزار و ۵۹۹ نفر بوده و تعداد ۱۳۵ هزار و ۷۲۲ خانوار در این استان وجود داشته است که از این تعداد، حدود ۸۸ هزار و ۲۴ خانوار در نقاط شهری و ۴۷ هزار و ۷۰۸ خانوار در نقاط روستایی ساکن بوده‌اند. جمعیت کل استان نیز ۰/۷ درصد از جمعیت کل کشور را به خود اختصاص داده است که از این تعداد، ۲۸۲ هزار و ۴۶۸ نفر، مرد و ۲۷۵ هزار و ۱۳۱ نفر، زن بوده‌اند. تعداد ۳۵۶ هزار و ۸۹۶ نفر از جمعیت استان در نقاط شهری و ۱۹۹ هزار و ۳۲۷ نفر در نقاط روستایی سکونت داشته‌اند و ۱۳۷۶ نفر نیز به صورت غیرساکن سرشماری شده‌اند. برای ارزیابی و تحلیل سطح توسعه‌یافتگی آموزشی در استان ایلام نیز آمار و اطلاعات شاخص‌های آموزشی مربوط به شهرستان‌های استان ایلام شامل آبدانان، ایلام، ایوان، بدره، چرداول، دره‌شهر، دهلران، سیروان، ملکشاهی و مهران از سالنامه آماری استان ایلام (۱۳۹۳) استخراج شده است.

روش پژوهش

برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات، از روش مجموع ساده وزنی^۱ (SAW) استفاده شده است که «یکی از قدیمی ترین روش‌های به کارگیری شده در MADM می‌باشد» (اصغرپور، ۱۳۹۲: ۲۳۲). در این روش پس از تعیین ضریب اهمیت شاخص‌ها بر اساس نظرات تصمیم‌گیرنده یا استفاده از روش‌های تعیین وزن، مثل آنتروپی شانون، بردار ویژه و روش کمترین مجذورات موزون، ضریب اهمیت هر یک از گزینه‌ها به دست می‌آید و بیشترین میزان آنها به عنوان گزینه بهینه در نظر گرفته می‌شود (آذر و رجبزاده، ۱۳۹۳: ۵۹) برای به کارگیری این مدل، گام‌های زیر طی می‌گردد:

۱. کمی کردن ماتریس تصمیم‌گیری
۲. بی‌مقیاس‌سازی خطی مقادیر ماتریس تصمیم‌گیری
۳. ضرب ماتریس بی‌مقیاس شده در اوزان شاخص‌ها
۴. انتخاب بهترین گزینه (A*) با معیار

$$A = \{A_i \mid \text{MAX} \sum_{j=1}^n n_{ij} w_j\}$$

به سخن دیگر، در روش SAW، گزینه‌ای انتخاب می‌شود (A*) که حاصل جمع مقادیر بی‌مقیاس شده وزنی آن ($n_{ij} w_j$) از بقیه گزینه‌ها بیشتر باشد (مؤمنی و شریفی سلیم، ۱۳۹۱: ۱۵۵ و ۱۵۶). در این روش باید به نکات زیر توجه کرد:

۱. فرض، به کارگیری روش مذکور، استقلال ارجحیت و مجزا بودن آثار شاخص‌ها از یکدیگر است.
۲. مطلوبیت کلی شاخص‌ها قابل تفکیک به مطلوبیت موجود هر یک از شاخص‌ها فرض شده است؛ بدین صورت از مدل جمع پذیر استفاده می‌شود.
۳. اگر شاخص‌ها از نظر ارجحیت، مستقل از یکدیگر نباشند و آثار مکمل یا جایگزینی بر روی یکدیگر داشته باشند، از فرم جمع‌پذیری و تفکیک‌پذیری به سختی می‌توان استفاده کرد که در این صورت، حداقل باید از فرم (ترکیبات خطی چندگانه یا ارزشی) یا روش‌های دیگری در آنالیز بهره گرفت.

۴. به شرط جمع پذیری، توابع مطلوبیت جمع پذیر را می توان جانشین مجموع وزین ساده کرد.

۵. استفاده از روش مجموع ساده وزنی، برای مواردی مناسب است که نرخ تبادل در بین شاخص ها، ثابت و برابر با واحد باشد (پورطاهری، ۱۳۹۳: ۱۳۱ و ۱۳۲).

آنچه باعث شد تا در این پژوهش از روش SAW به عنوان یکی از روش های تصمیم گیری چندشاخصه استفاده شود، این است که روش مذکور این امکان را می دهد تا در تصمیم گیری ها چندین شاخص متفاوت و گاهی متضاد را در نظر بگیریم؛ همچنین این روش امکان ارزیابی، اولویت بندی و انتخاب یک گزینه از بین گزینه های موجود را فراهم می آورد.

جمع آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات

همانطور که اشاره شد در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل داده ها و اطلاعات از روش مجموع ساده وزنی (SAW) استفاده شده است. اولین قدم در این روش، تشکیل ماتریس و تعیین گزینه ها و شاخص ها است که در این پژوهش، گزینه ها، شهرستان های استان ایلام شامل آبدانان، ایلام، ایوان، بدره، چرداول، دره شهر، دهلران، سیروان، ملکشاهی و مهران هستند؛ اما در مورد شاخص ها می توان گفت که شاخص های متفاوتی جهت بررسی وضعیت آموزشی وجود دارد که ما در این پژوهش سعی کرده ایم شاخص هایی را مورد استفاده قرار دهیم که اطلاعات معتبر مستند راجع به آنها وجود داشته باشد؛ لذا شاخص های مورد استفاده عبارتند از: تعداد دانش آموزان، کارکنان آموزشی اداره آموزش و پرورش، دانش آموزان دوره آموزش استثنایی، آموزشگاه های دوره آموزش استثنایی، دانش آموزان دوره پیش دبستانی، آموزشگران تمام وقت مؤسسات آموزش عالی، دانشجویان مؤسسات آموزش عالی، دانش آموختگان مؤسسات آموزش عالی، مربیان اداره آموزش فنی و حرفه ای و آموزش دیدگان اداره آموزش فنی و حرفه ای؛ بنابراین ماتریس اولیه به شرح ذیل قابل ترسیم است.

جدول شماره (۱). ماتریس تصمیم گیری

تعداد دانش آموزان	کارکنان آموزشی اداره آموزش و پرورش	دانش آموزان دوره آموزش استثنایی	آموزشگاه‌های دوره آموزش استثنایی	دانش آموزان دوره پیش دبستانی	آموزشگران تمام وقت مؤسسات آموزش عالی	دانشجویان مؤسسات آموزش عالی	دانش آموزان مؤسسات آموزش عالی	مربیان اداره آموزش فنی و حرفه ای	آموزش دیدگان اداره آموزش فنی و حرفه ای
۹۱۳۴	۸۰۵	۳۹	۳	۶۶۸	۸	۲۴۷۸	۱۵۰	۷	۶۶۸
۳۷۸۴۷	۲۵۸۴	۳۳۱	۱۱	۵۵۳	۵۲۰	۳۲۸۹۵	۵۳۴۷	۲۱	۳۹۳۷
۹۶۲۱	۸۳۸	۴۷	۳	۲۰۷۰	۱۵	۲۹۸۸	۲۹۸	۳	۱۲۳۳
۲۳۹۹	۲۹۵	۳۳	۲	۱۲۱	۴	۳۷۹	۶۱	۰	۰
۱۰۴۱۵	۸۴۹	۳۲	۴	۷۴۶	۴	۱۲۷۳	۱۴۱	۲	۷۲۴
۸۰۲۳	۷۴۸	۴۳	۳	۶۵۴	۶۳	۳۰۶۸	۵۵۴	۳	۸۳۰
۱۱۰۹۷	۱۱۳۶	۴۷	۳	۷۵۹	۸	۳۴۸۱	۶۴۰	۸	۹۰۵
۲۳۶۰	۲۲۹	۴	۲	۷۷	۲	۵۴۹	۱	۱۱	۳۶۰
۴۰۴۹	۳۷۳	۳۸	۴	۲۶۳	۳	۰	۰	۲	۱۲۶۵
۵۰۶۵	۴۱۰	۲۳	۳	۴۰۴	۲۱	۱۹۰۲	۲۵۷	۷	۵۷۳

یکی از اقدامات مهم، تعیین ضریب اهمیت شاخص‌هاست که به دو صورت قابل انجام است: ۱. بر اساس نظرات تصمیم‌گیرنده؛ ۲. استفاده از روش‌های

تعیین وزن، مثل آنتروپی شانون، بردار ویژه و روش کمترین مجذورات موزون و ... در این پژوهش، ضریب اهمیت شاخص‌ها با استفاده از روش آنتروپی انجام گرفته است که نتایج آن به شرح جدول شماره ۲ می‌باشد.

جدول شماره (۲). وزن هر یک از شاخص‌ها با استفاده از روش آنتروپی

W1	W2	W3	W4	W5	W6	W7	W8	W9	W10
۰/۰۵۷۵	۰/۰۴۱۱	۰/۰۹۹۱	۰/۰۲۶	۰/۰۵۰۵	۰/۲۴۵	۰/۱۷۱۸	۰/۲۰۰۵	۰/۰۴۵۵	۰/۰۶۲۷

در ادامه، سایر اقدامات روش SAW از جمله: کمی کردن ماتریس تصمیم‌گیری، بی‌مقیاس‌سازی و ضرب ماتریس بی‌مقیاس‌شده در اوزان شاخص‌ها انجام شده و بهترین گزینه انتخاب گردیده است؛ گزینه‌ها نیز اولویت‌بندی شده‌اند که نتیجه آن در جدول شماره ۳ می‌آید.

جدول شماره (۳). اولویت‌بندی گزینه‌ها

W1	W2	W3	W4	W5	W6	W7	W8	W9	W10
۰/۱۱۱۳	۰/۹۶۲۸	۰/۱۶۱۴	۰/۰۳۴۱	۰/۰۹۸۲	۰/۱۴۸۰	۰/۱۵۳۶	۰/۰۴۹۴	۰/۰۶۷۱	۰/۰۹۳۲

بهترین گزینه A_2 است و رتبه‌بندی گزینه‌ها به شرح زیر است:

$$A_2 > A_3 > A_7 > A_6 > A_1 > A_5 > A_{10} > A_9 > A_8 > A_4$$

نتایج تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات نشان می‌دهد که از بین شهرستان‌های استان ایلام از لحاظ وضعیت توسعه آموزشی، شهرستان ایلام در صدر قرار دارد و شهرستان‌های ایوان، ده‌لران، دره‌شهر، آبدانان، چرداول، مهران، ملکشاهی، سیروان و بدره در رده‌های بعدی قرار دارند؛ به عبارتی، بین شهرستان‌های استان ایلام از نظر توسعه آموزشی، عدم تعادل وجود دارد و نیاز است در مورد عدالت آموزشی از جمله در مورد میزان فضای آموزشی، تعداد مراکز آموزشی و توزیع امکانات آموزشی، تصمیمات مؤثرتری اتخاذ شود؛ لذا انتظار می‌رود در مورد فضاهای آموزشی، مشکلات مربوط به سرانه آموزشی، نحوه کاربرد فضا و نحوه استقرار، مرتفع گردد و به گونه‌ای عمل شود که دسترسی به مراکز آموزشی، حالت نرمال و استاندارد داشته باشد. با توجه به شرایط موجود در

شهرستان‌ها به نظر می‌رسد که اگر استفاده از قابلیت‌ها و پتانسیل‌ها به نحو مؤثری صورت پذیرد، شاهد توسعه یافتگی بیشتری در گذر زمان خواهیم بود. برای بهبود سطح توسعه آموزشی استان باید به شهرستان‌های محروم‌تر و کمتر توسعه یافته آموزشی که بر اساس تجزیه و تحلیل‌های انجام شده در رده‌های پایین قرار گرفته‌اند، اولویت داد. توسعه آموزشی، نیازمند دیدگاه استراتژیک و برنامه‌ریزی‌های بلندمدت است. برنامه‌ریزی‌های کوتاه‌مدت نیز باید به گونه‌ای باشند که ما را به چشم‌انداز بلندمدت تعریف شده برسانند. در مسیر توسعه آموزشی نباید دیدگاهی هزینه‌ای نسبت به بحث آموزش داشت؛ بلکه هزینه در امر آموزش را باید نوعی سرمایه‌گذاری به حساب آورد که می‌تواند به توسعه پایدار در عرصه‌های مختلف اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و ... منجر شود. بهبود سطح توسعه آموزش در شهرستان‌ها و استان با رویکرد سیستمی میسر خواهد بود و می‌بایست تمامی سازمان‌ها، ادارات و مؤسسات دخیل در امر آموزش، با هم‌افزایی و هماهنگی در این مسیر گام بردارند.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف از انجام این پژوهش، بررسی و تحلیل توسعه آموزشی در شهرستان‌های استان ایلام، شامل آبدانان، ایلام، ایوان، بدره، چرداول، دره‌شهر، دهلران، سیروان، ملکشاهی و مهران بود که برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و اطلاعات آن از روش مجموع ساده وزنی (SAW) استفاده شد. یافته‌ها نشان می‌دهند که شهرستان ایلام از نظر توسعه آموزشی در میان شهرستان‌های استان ایلام از بالاترین رتبه برخوردار است و شهرستان‌های ایوان، دهلران، دره‌شهر، آبدانان، چرداول، مهران، ملکشاهی، سیروان و بدره در رده‌های بعدی قرار دارند. بررسی‌ها و تحلیل‌های این پژوهش می‌تواند باعث شناخت بیشتر مسئولان حوزه آموزش استان ایلام از وضعیت موجود توسعه یافتگی آموزشی شهرستان‌های استان شود و در بهبود هدف‌گذاری‌ها، برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات آنها در آینده مؤثر واقع شود. به مدیران و برنامه‌ریزان آموزشی استان، پیشنهاد می‌شود که عدالت آموزشی را به عنوان یکی از اهداف اصلی خویش مد نظر داشته باشند و سعی کنند هم در بین شهرستان‌های استان و هم در بین مناطق مختلف هر یک از شهرستان‌ها رعایت گردد. آنها بهتر است مدیریت مشارکتی را در پیش گیرند و با ایجاد فضایی منعطف و روحیه‌بخش، از تمامی ظرفیت‌های نیروهای انسانی در عرصه آموزش بهره‌گیرند. پیشنهاد می‌شود از دخالت دادن نگرش

سیاسی و برخورد‌های جناحی در امر آموزش و انتصابات اجتناب شود و مبنای شایستگی و شایسته‌سالاری قرار دهند. با توجه به پیشرفت چشمگیر فناوری در سال‌های اخیر، می‌توان از فناوری‌های مختلف؛ بخصوص فناوری اطلاعات در جهت تسریع فرایند توسعه آموزشی در سطوح مختلف بهره برد؛ همچنین پیشنهاد می‌شود که مدیران شهرستان‌ها با یکدیگر تعامل سازنده داشته باشند و تجربیات خویش را با یکدیگر به اشتراک بگذارند؛ لذا شهرستان‌هایی که در این پژوهش در رده‌های پایین توسعه آموزشی استان قرار گرفته‌اند می‌بایست از تجربیات شهرستان‌های موفق در این حوزه استفاده کنند. مدیران آموزشی می‌بایست آموزش را به عنوان فرایندی چندمرحله‌ای، شامل نیازسنجی آموزشی، هدف‌گذاری، برنامه‌ریزی آموزشی، اجرا و ارزیابی مد نظر داشته باشند و اجرای مؤثر این فرایند است که می‌تواند توسعه آموزشی را در پی داشته باشد. برای دنبال نمودن توسعه آموزشی، مدیران می‌بایست نقاط قوت و ضعف و تهدیدها و فرصت‌ها را در حوزه آموزش در سطح استان و شهرستان‌ها شناسایی نمایند تا با رفع نقاط ضعف، تقویت نقاط قوت، مقابله صحیح با تهدیدها و استفاده مناسب از فرصت‌ها، روند توسعه آموزشی را تسریع بخشند.

منابع و مأخذ

- آذر، عادل و علی رجبزاده؛ (۱۳۹۳)، تصمیم‌گیری کاربردی رویکرد MADM، تهران: نگاه دانش.
- احمدی، حمید و خسرو مزرعی؛ (۱۳۹۱)، «توسعه آموزشی و کارآمدی حکومت (میزان بهره‌مندی اقوام استان گلستان)» مطالعات سیاسی، سال چهارم، شماره ۱۱، تابستان.
- اصغری‌پور، محمدجواد؛ (۱۳۹۲)، تصمیم‌گیری چندمعیاره، تهران: مؤسسه انتشارات دانشگاه تهران.
- امان‌پور، سعید، علیرضا پرویزیان و مهدی علیزاده؛ (۱۳۹۴)، «سنجش وضعیت شاخص‌های توسعه‌یافتگی در شهرستان‌های استان ایلام»، فرهنگ ایلام، دوره شانزدهم، شماره ۴۸ و ۴۹، پاییز و زمستان.
- پوراحمد، احمد، حسین حاتمی‌نژاد، علیرضا محمدی و الهه پیشگر؛ (۱۳۹۴)، «سنجش توسعه‌یافتگی شهرهای استان ایلام با استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره»، مطالعات برنامه‌ریزی سکونت‌گاه‌های انسانی، سال دهم، شماره ۳۲، پاییز.

- _____، علیرضا محمدی و الهه پیشگر؛ (۱۳۹۳)، «تحلیل شبکه شهری استان ایلام طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۹۰»، مطالعات برنامه‌ریزی شهری، سال دوم، شماره پنجم، بهار.
- پورطاهری، مهدی؛ (۱۳۹۳)، «کاربرد روش‌های تصمیم‌گیری چندشاخصه در جغرافیا»، تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
- جمینی، داود، مسعود سجادی، زینب شهبازی و ایمان امایی؛ (۱۳۹۴)، «بررسی سطح توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان اصفهان در زمینه شاخص‌های آموزشی با استفاده از تکنیک TOPSIS، تحلیل خوشه‌ای و GIS»، فناوری آموزش، جلد ۹، شماره ۳، بهار.
- حسین‌زاده دلیر، کریم و سعید ملکی؛ (۱۳۸۵)، «بررسی وضعیت شاخص‌های توسعه انسانی در استان ایلام»، جغرافیا و توسعه ناحیه‌ای، شماره ششم، بهار و تابستان.
- خدامرادی، طاهره، فرحناز سعادت و طیبه خدامرادی؛ (۱۳۹۳)، بررسی میزان تأثیر استفاده از فضای مجازی بر ارزش‌های خانواده (مطالعه موردی: معلمان مقطع متوسطه سازمان آموزش و پرورش استان ایلام)، فرهنگ ایلام، دوره پانزدهم، شماره ۴۴ و ۴۵، پاییز و زمستان.
- خوب‌آیند، سعید؛ (۱۳۸۳)، «بررسی و تعیین درجه توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان ایلام»، رشد آموزش جغرافیا، شماره ۶۹، زمستان.
- رضایی، مریم؛ (۱۳۹۳)، سطح‌بندی و سنجش درجه توسعه‌یافتگی شهرهای استان ایلام با استفاده از روش تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای، فصلنامه جمعیت، شماره ۸۷ و ۸۸.
- سالنامه آماری استان ایلام؛ (۱۳۹۳)، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان ایلام، معاونت آمار و اطلاعات.
- شمعی، علی و حمید عسکری؛ (۱۳۸۸)، «آسیب‌شناسی کاربری آموزشی مقطع دبیرستان در شهر ایلام با استفاده از GIS»، تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، دوره ۱۰، شماره ۱۳، تابستان.
- صابری، حمید و اعظم نصراللهی‌نیا؛ (۱۳۹۶)، «ارزیابی توسعه آموزشی شهرستان‌های استان ایلام با استفاده از مقایسه مدل‌های چندشاخصه»، پژوهش‌های مکانی-فضایی، سال اول، شماره ۲، بهار.
- غلامی پریزاد، اسکندر، الهام غلامی پریزاد، فاطمه پالیزبان و زینب غضنفری؛ (۱۳۹۴)، «عدالت جنسیتی با بی‌عدالتی در نظام آموزشی استان ایلام»، راهبردهای

- توسعه در آموزش پزشکی، دوره دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان.
- معیدفر، سعید و سارا دارابی؛ (۱۳۹۱)، «ذهنیت دانش آموزان در میانه گفت‌وگو خانوادگی و مدرسه (مطالعه موردی: دانش آموزان دختر شهر ایلام)»، مطالعات اجتماعی ایران، دوره ۶، شماره ۱، بهار.
- ملکی، حسن و جواد آقامحمدی؛ (۱۳۹۴)، «تمرکزگرایی و تمرکززدایی در فرایند برنامه‌ریزی توسعه آموزشی: چالش‌ها و موانع»، کار و جامعه، شماره ۱۸۰، اردیبهشت.
- ملکی، سعید و نبی‌الله حسینی؛ (۱۳۹۵)، «سطح‌بندی شهرستان‌های استان ایلام از لحاظ شاخص‌های توسعه با استفاده از تکنیک فازی»، فرهنگ ایلام، دوره ۱۷، شماره ۵۰ و ۵۱، بهار و تابستان، ۲۳-۳۶.
- _____، رضا احمدی و ذبیح‌الله ترابی؛ (۱۳۹۲)، «سطح‌بندی توسعه آموزشی در شهرستان‌های استان خوزستان»، مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان.
- مؤمنی، منصور و علیرضا شریفی سلیم؛ (۱۳۹۱)، مدل‌ها و نرم‌افزارهای تصمیم‌گیری چندشاخصه، تهران: مؤلف.
- ویسی‌ناب، فتح‌الله؛ فریدون بابایی اقدم، خال‌علی‌پور و چیا نیازی؛ (۱۳۹۵)، «ارزیابی و رتبه‌بندی سطح توسعه‌یافتگی آموزشی استان‌های منطقه زاگرس با استفاده از مدل چندمعیاره وایکور»، مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، دوره پنجم، شماره نهم، بهار و تابستان.
- یزدانی، محمدحسن، عطا غفاری گیلاننده و یوسف علیزاده؛ (۱۳۹۲)، «بررسی و رتبه‌بندی توسعه آموزشی نواحی نوزده‌گانه آموزش و پرورش استان اردبیل»، مطالعات برنامه‌ریزی آموزشی، سال دوم، شماره چهارم، پاییز و زمستان.